

می‌گوییم حداقل تفکیک ۱۵۰ متر! کدام کم در آمدی می‌تواند زمین ۱۵۰ متری بخرد؟ باید پیشاپیش امکانی فراهم کنیم که هر کس با هر توانی که دارد در فضای رسمی قرار بگیرد تا به طرف بازار غیر رسمی نرود. اگر این فضا فراهم شود خود به خود فضای حاشیه‌نشینی بر چیده می‌شود و افراد به سمت تأمین سرپناه به شکل غیر قانونی نخواهند رفت.

❖ راهکارهای مقابله با افزایش حاشیه‌نشینی چیست؟

❖ راهکارهای مقابله با این موضوع پیش‌نگری در مقابل آینده است، ما در گذشته پیشگیری و برنامه‌ریزی نداشتیم که امروز به این مشکل خوریم، بنابراین بحث اول: پیشگیری برای آینده است، بحث دوم: پیشگیری برای زمان حال مطرح می‌شود تا این شبانه‌سازی‌ها افزایش نیابد، بحث سوم: ساماندهی حاشیه‌نشینی‌هاست. یکی از مشکلات امروزه نبود پیشگیری است، یعنی همین حالا شبانه به حاشیه‌نشینی مشهود اضافه می‌شود، روی گسل‌ها در حریم دکل‌های برق فشار قوی و... خانه‌سازی می‌شود، واقعیت ده‌میلیونی حاشیه‌نشینی را با ساماندهی باید حل کرد. ساماندهی متناسب با هر محدوده را حل خودش را دارد. مثلاً جایی هست که مشکل مسیل ندارد، مشکل رانش زمین ندارد، مشکل برق فشار قوی ندارد، اینجا را حل متفاوت است، بحث مقاومت‌سازی خانه‌هاست. بحث ساماندهی در سند ملی به خوبی برنامه‌ریزی شده، اگر از این به بعد مشکل پیش بیاید، مشکل اجرایی است.

❖ یکی از مشکلات کلان شهرهایی مثل مشهد، وجود روستاها (حتی شهرهای کوچک) در حریم شهر است که هم‌اکنون هیچ برنامه‌ریزی برای آن‌ها نداریم. چه راه‌حلی برای این مسائل می‌توان ارائه کرد؟ ایجاد شهرک یا شهرهای جدیدی با نقش‌های خاص با محوریت این روستاها سبب پیشگیری از حاشیه‌نشین شدن این روستاها خواهد شد؟

❖ لازم است به این نکته توجه کنید که ما علاوه بر بحث مهاجرت با بحث سرریز جمعیت هم مواجه هستیم. اگر محل اسکان سرریز جمعیت پیش‌بینی نشود، در آینده این‌ها حاشیه‌نشین می‌شوند، برای حل این مشکل سه راه داریم: اول از ظرفیت‌های متروک و مغفول هر شهر استفاده کنیم، کارهای به‌سازی جمعیت در همین دسته قرار می‌گیرد. بحث انتقال صنایع مزاحم، انتقال پادگان‌ها، بهر دوری زمین‌های شهری را بالا ببریم. آن‌ها را از شهر خارج کنیم و به جای آن مسکن بسازیم، دوم این که شهرک‌ها یا استانداردهای مناسب ایجاد کنیم. سوم شهر جدید؛ با فاصله‌ای از شهر ما باید سکونتگاه‌های جدید ساخته شود، این‌ها را احکام‌های کالبدی حل مشکل حاشیه‌نشین‌هاست. قبل از این که شهر جدید ساخته شود باید طرح جامع و تفصیلی از پیش اندیشیده آن تهیه شود و همه اجزای آن و حتی جمعیت پیش‌بینی شود.

❖ نقش مسکن مهر را در کنترل حاشیه‌نشینی و جذب سرریز جمعیت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

❖ طرح مسکن مهر در خیلی از شهر در مهار حاشیه‌نشینی و کاهش آن موفق بوده است اما در کلان‌شهرها چون تأمین خدمات زیربنایی و روبرنایی و دسترسی مناسب به موازات ساخت مسکن مهر صورت نگرفته است نمی‌توان به راحتی اظهار نظر کرد. این یک بحث مدیریت شهری است، اگر خدمات و محیط شهری سالم فراهم باشد، مردم به خانه‌ها خواهند رفت. در چند شهر مثل پردیس، پرنده و گل‌پار باید ارتباط ریلی سریع مثل مترو با شهر اصلی وجود داشته باشد، بعد باید تمام خدمات مناسب زندگی مثل آب، برق، گاز، تلفن، مدرسه و... فراهم شود، در این زمینه بقیه نهادها باید خودشان را سریع‌تر هماهنگ کنند. این شهرها در گام اول باید برای جمعیت کمتری ساخته می‌شدند و به تدریج به نتیجه مطلوب می‌رسیدند، تعجیل در ساخت مسکن موجب این اشکال شده است، اگر بر سرانه جمعیت کمتر و منطقی‌تر و طی زمان بیشتری برنامه‌ریزی شده بود، این مشکل پیش نمی‌آمد، همان بحث مدیریت واحد اینجا هم خودش را نشان می‌دهد. مسکن مهر یک شهر جدید نبوده یک طرح خاص برای اسکان تعداد محدودی بوده، به فکر اسکان کم‌درآمدها بوده، بنابراین از این لحاظ در کاهش حاشیه‌نشینی مؤثر است. خدمات‌دهی درست هم به تدریج صورت می‌گیرد چون مقیاس جمعیت اینجا بالاست، اشکالاتی به وجود آمده که کم‌کم مرتفع می‌شود، در کنار همه امکانات باید شغل هم برای ساکنان در این شهرها پیش‌بینی شود.

پیشگیری و جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی و شناسایی زمینه‌های گسترش آن در آینده نکنیم موفق نخواهیم بود. ما چه قبل و چه بعد انقلاب توزیع نامناسب اشتغال داشته‌ایم. چند کارخانه اطراف شهرهای بزرگ تأسیس کردیم، جمع‌کنی از قشر کم‌درآمد یا بانه‌گیره کسب و کار اطراف آن ساکن شدند و یا به دلیل نداشتن مکان مناسب به حاشیه شهر رانده شدند. بعد از انقلاب جنگ باعث تشدید این موضوع شده و مهاجرت اتفاق افتاد، شهرها بزرگ شدند و تبدیل به کلان‌شهر شدند اما مسئله حاشیه‌نشینی فقط مربوط به کلان‌شهرها نیست، ما اطراف تمام شهرها این مسئله را به دلیل مسائل اشتغال و بیکاری در مبدأ داریم. این مسئله دو بعد دارد: یکی جریان مهاجرت از روستا به اطراف شهر. دیگری جریان فقیر شدن درون شهر، یعنی مردمی که در مرکز شهر بودند به خاطر فقیر شدن به حاشیه رانده شدند.

❖ یکی از مشکلات حاشیه شهر نبود متولی مشخص برای ساماندهی و پیشگیری از این موضوع است. ساختارهای فعلی همانند ستاد ملی با حضور شخصیت‌های حقوقی چه میزان کارآمد بوده است؟ به نظر شما این ستاد در حوزه اجرایی موفق بوده است؟

❖ در ستاد ملی در سال‌های بعد از ۸۲ قدم‌های مؤثری برداشته شد اما اگر نتیجه مطلوب نبود، به خاطر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بوده است. علاوه بر اختصاص بودجه برای تأمین خدمات شهری مورد نیاز مثل مدرسه و خانه بهداشت و... در این مناطق مشابه سایر بخش‌های شهر، به همین میزان باید به اقتصاد و اشتغال در مبدأ توجه می‌شد تا با وجود کار مناسب، مهاجرت صورت نگیرد. برای ارزیابی موفقیت ستادهای تشکیل‌شده از سال ۸۲ باید پرسید، چند جلسه ستاد ملی تشکیل شده و در چه سطحی از مدیران و وزیران تشکیل شده و در نهایت چه مصوباتی داشته و بعد چقدر ضمانت اجرایی داشته‌اند؟ اگر نخواهیم در تسکین حاشیه‌نشینی موفق باشیم، باید پیش‌نگری انجام شود و بعد برنامه‌ریزی و ضمانت اجرایی برای مصوبات وجود داشته باشد. تا وقتی که به شهر داری‌ها نقش محوری داده نشود و همه از اقدامات پیشگیرانه شهر داری‌ها در این زمینه حمایت و مطالبه نکنند در این زمینه موفق نخواهیم بود. مشکل کلی این است که دست‌اندرکاران حوزه شهری بسیار متفاوت و متعدد هستند. حدود ۳۰ نهاد وجود دارد که در اداره شهری درگیر هستند و هیچ‌کدام فصل الخطاب نیستند! باید کم‌کم در این مناطق مدیریت هماهنگ و منسجم به نمایش بگذاریم. شهر داری پروانه نمی‌دهد اما اداره برق به او برق می‌دهد، نبود مدیریت واحد مشکل کلی ماست؛ البته ما بر اساس قانون مدیریت واحد نداریم بلکه باید بحث مدیریت هماهنگ مطرح شود، پس مدیریت یکپارچه و مدیریت منسجم، مبحثی است که تا ایجاد نشود، نمی‌توانیم انتظار توفیق قابل توجه در در مان حاشیه‌نشینی داشته باشیم. هنوز این موضوع در بین سیاست‌گذاران جا نیفتاده که اگر ما مشکلات حاشیه‌نشینی داریم، صرفاً ناشی از مشکلات در سوء مدیریت شهری نیست، ما منابع بانکی مان را به بنگاه‌های زودبازده اختصاص می‌دهیم اما در عمل از این منابع برای خرید خودرو استفاده می‌شود که خود به خود تورم ایجاد می‌کند. اگر ضریب جینی پایین نیاید، مشکل حاشیه‌نشینی بیشتر می‌شود.

❖ الگوی مناسب برای به‌سازی و نوسازی مناطق حاشیه‌نشین چیست؟

❖ ابتدا باید به عنوان یک اقدام برنامه‌روانه شهری، در طرح جامع و تفصیلی شهرها به‌ویژه کلان‌شهرهایی مثل تهران و مشهد فکری برای مسکن کم‌درآمدها شود و در روند توسعه و سریع شهرها باید برای اسکان کم‌درآمدها فکر کرد. در شرایط کاملاً مطلوب شهری ۵ درصد کم‌درآمد داریم، چه برسد به شرایط فعلی که این عدد قطعاً بیشتر است، بنابراین در طرح‌های جامع و تفصیلی باید فکری برای آن‌ها کرد. باید ابتدا مسئولان این موضوع را بپذیرند تا بعد برای آن‌ها مسکن با مساحت پایین با شرایط مطلوب بسازند، یعنی توان مالی خرید خانه کوچک ۵۰ متری در فضای مناسب یعنی کنار بوستان، کتابخانه و... را داشته باشند و گر نه به حاشیه‌ها خواهند رفت. در این صورت دیگر بحث بد مسکنی نداریم، فقط فضای خانه کوچک است اما وقتی در بازار مسکن چنین چیزی وجود ندارد، طرف مجبور است به سراغ بازار غیررسمی برود، بازار غیررسمی هم یعنی حاشیه‌نشینی. برنامه‌ریزان شهری ما و ضوابط شهری ما فکری برای مسکن کم‌درآمدها نکردند، آیا در طرح تفصیلی مشهد و تهران پهنه‌ای برای مسکن کم‌درآمدها پیش‌بینی شده است؟ ما در طرح تفصیلی